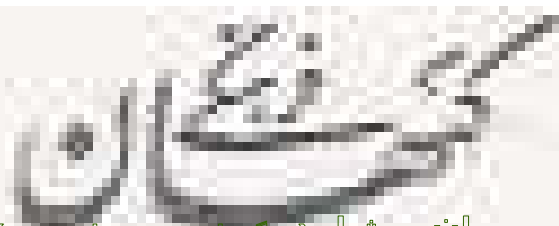




۳۴۷



یان ریشار (برگردان : حمید احمدی) : ... علی شریعتی ، انقلابی شیعه
به نقل از : گیمان فرهنگی ، سال دوم ، شماره ۲ ، خرداد ۶۴ ، ص ۲۱-۲۴



یان ریشار : ... علی شریعتی ، انقلابی شیعه



... در عظیم خلوت من

نشر دیگران

<http://xalvat.com>

xalvat@xalvat.com

<http://xalvat.com/xalvat7/Nasher-eDigaran>



xalvat.com

دکتر علی شریعتی انقلابی شیعه

نویسنده: یان ریشار
مترجم: حمید احمدی



مقدمه مترجم:

تجدید حیات نوین اسلام و گسترش موج جدید جنبشهای فکری و سیاسی اسلامی در جهان، و تأثیری که این حرکت چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از نظر بسیج سیاسی توده‌ها و جنبشهای مردمی بجای گذاشت، باعث گردید تا اسلام‌شناسان، مستشرقین و ایران‌شناسان جهان توجه خاصی به ابعاد سیاسی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در ایران معطوف دارند. گذشته از تألیفات و تحقیقات متعددی که پیرامون ابعاد سیاسی جنبش اسلامی و اخیراً انقلاب اسلامی در ایران از سوی محققان خارجی صورت گرفته است، موج جدیدی از تحقیقات آکادمیک و دانشگاهی نیز پیرامون اسلام بعنوان یک ایدئولوژی مبارز و انقلابی خاصه تشیع ظاهر گشته است. تحقیق و تتبع پیرامون ابعاد ایدئولوژیک اسلام از آنجا برای بیگانگان اهمیت دارد که بدلیل وقوع انقلاب اسلامی در ایران، موج جدیدی از حرکتها و جنبشهای مهم سیاسی- ایدئولوژیک در جهان اسلام در سالهای اخیر آغاز شده است. این تجدید حیات سیاسی اسلام، در کشورهای نظیر، مصر، الجزایر، تونس، سوریه، لبنان، سودان، کشورهای شبه جزیره عربستان، عراق، پاکستان، بنگلادش، هندوستان و در میان اقلیت‌های مسلمان سایر مناطق جهان همواره خود را نشان داده است. بنابراین برای شناخت موج جدید جنبش اسلامی، باید انگیزه‌ها و علل آنرا جستجو کرد.

مسئله یکی از طرق شناخت این پدیده نویسنده تحقیق و تتبع پیرامون افکار و اندیشه‌های شخصیت‌هایی است که آموزشها و عقاید ایدئولوژیک آنها به گسترش این خیزش جدید «رادیکالیزم اسلامی» کمک کرده است. اگر قبول داشته باشیم که موج حرکت نوین اسلامی در جهان پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران به حرکت درآمد، باید بپذیریم که اندیشمندان و متفکران اسلامی در ایران بیش از سایرین در این امر نقش داشته‌اند، و بی‌گمان در میان این اندیشمندان باید از معلم شهید دکتر علی شریعتی نام برد که مجاهدات و اندیشه‌ها و آرمانهای انقلاپی و ایدئولوژیک او در دوران استبداد و در آخرین دهه حکومت پهلوی بیش از هر کس دیگری متحرک جسمانی و روحانی و روشنفکران ایرانی در گرایش به سوی مکتب نجات بخش اسلام

بود. بدین خاطر محققان، مستشرقین و ایران‌شناسان در بررسی علل ایدئولوژیک انقلاب ایران و موج جدید جنبش انقلابی اسلام در جهان، بخش مهمی از توجه خود را معطوف اندیشه‌ها و آرمانهای او کرده‌اند. علاوه بر ترجمه‌های گوناگون و متعددی که از کتابها و آثار معلم شهید به زبانهای مختلف جهان- انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی، ایتالیایی، اسپانیایی، ترکی استانبولی، ژاپنی، کردی و... به عمل آمده، مقالات و تحقیقات گوناگون و مفصلی نیز به زبانهای خارجی از سوی اسلام‌شناسان، مستشرقین و ایران‌شناسان پیرامون زندگی و اندیشه‌های وی و نقش او در جنبش اسلامی صورت گرفته است. گذشته از این مقالات و تحقیقات- که در روزنامه‌ها و نشریات معتبر جهان مربوط به اسلام، ایران و خاورمیانه و کتابهای مربوط به انقلاب اسلامی ایران، یا جنبش‌های نوین سیاسی اسلام بچاپ رسیده-، محققان و نویسندگانی نیز دربارهٔ اندیشه‌های شریعتی صورت گرفته و با در حال انجام است که به صورت مستقل در غرب منتشر می‌شود.

علاوه بر تحقیقات و مقالات محققان اسلامی- بخصوص محققان عرب و شبه قاره هند- تعدادی از ایران‌شناسان، اسلام‌شناسان و بسطور کلی مستشرقین غرب، تحقیقات مفصلی در رابطه با اندیشه‌های شریعتی و نقش آن در تجدید حیات نوین اسلام به عمل آورده‌اند، که می‌توان به برخی از آنها چون، یان ریشار، نیکی کدی، حامد الگار، براد هانسن، ژاک برگ، مارسیا هرنانسن، منگل فیلیپ بیات، ادوارد سعید اشاره کرد.

آنچه که ترجمه آن تقدیم می‌گردد مقاله‌ای است که یسان ریشار (YANN RICHARD) محقق ایران‌شناس معروف فرانسوی پیرامون اندیشه‌های شهید شریعتی به رشته تحریر در آورده است. وی مقالات متعددی در این رابطه دارد که تعدادی از آنها در روزنامه‌ها و نشریات فرانسوی به چاپ رسیده است. تحقیق حاضر بخش عمده‌ای از مقاله او پیرامون افکار و شخصیت شریعتی و بخشی از کتاب ریشه‌های انقلاب- تألیف نیکی کدی، استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا است.

لازم به یادآوری است که مجموعه تحقیقات و مقالات محققان خارجی پیرامون شخصیت دکتر علی شریعتی و اندیشه‌های او در انقلاب ایران و تجدید حیات نوین اسلام در جهان، از منابع گوناگون خارجی جمع‌آوری شده و بصورت کتاب مستقلاً به زبان فارسی منتشر خواهد شد.

xalvat.com

علی شریعتی در میان اصیل‌ترین متفکران نویسنده اسلامی که با غرب تماس آموزشی داشته‌اند شخصیتی است که بیش از هر کس دیگر، نسل جوان ایران را برای دست زدن به یک قیام انقلابی آماده ساخت. حوادث روزگار، این جامعه‌شناس اسلامی را اندکی پس از مرگش در ۱۹۷۷ به ایدئولوگ قیام تبدیل کرد و تصویر او همه جا در نظاره‌ها و مخالفت‌ها شاه در کنار تصویر گیت‌الله خمینی به چشم می‌خورد.

وی در سال ۱۳۳۸ از دانشگاه مشهد مدرک لیسانس گرفت و بعنوان یکی از دانشجویان ممتاز و رده اول از بورس تحصیلی خارج از کشور استفاده کرد. برای یک سال به او اجازه خروج ندادند. سرانجام به پاریس رفت و در آنجا یکی از هواداران جنبش آزادیبخش الجزایر گردید. در فرانسه به تحصیل تاریخ و جامعه‌شناسی ادیان پرداخت، و برخلاف آنچه که اغلب گفته می‌شود موضوع تز خود را نه در این زمینه‌ها، بلکه در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی فارسی نوشت. از جمله کسانی که بر او تأثیر فکری گذاشتند یکی لویی ماسینیون بود که او را عمیقاً ستایش می‌کند و با او بود که دربارهٔ فاطمه دختر پیامبر و همسر علی به مطالعه پرداخت، و دیگری فرانتس فانون بود که کتاب دوزخیمان روی زمین او را ترجمه کرده است و سرانجام ژان پل سارتر را می‌توان نام برد. در ۱۹۶۲ شریعتی با در دست داشتن مدرک دکتری به ایران بازگشت، ولی هنگام ورود به مرز ایران دستگیر شده و چندین ماه زندانی گردید.^۱

در سال ۱۹۶۵ ابتدا در یک روستای بزرگ خراسان و سپس در دیرستانی در مشهد به تدریس پرداخت. وی بزودی دانشیار دانشگاه مشهد شد، ولی محتوای دروس مورد بحث و نیز موفقیتش در آن زمینه باعث اخراج او از دانشگاه گردید، سپس به تهران رفت و در همین جا بود که شهرت او بعنوان یک سخنران پسرعت همه‌جاگیر شد. کرازا او دعوت می‌کردند، تا بخصوص در حسینیه ارشاد، یک مؤسسه مترقی اسلامی که در ۱۹۶۹ تاسیس شد، سخنرانی نماید. سخنرانی‌های او ضبط شده و توسط ماشین‌های تکثیر

بخش می‌گردید. در اواخر ۱۹۷۳ حسینیه ارشاد توسط رژیم تعطیل شد و شریعتی بسرعت مخفی گردید، اما رژیم پدرش را بعنوان گروگان به زندان افکند. شریعتی، پس از چندماه خسود را تسلیم کرد و برای بیش از ۱۸ ماه در یک سلول انفرادی زندانی گردید. پس از آزادی، در حالی که تحت نظر بود، به میزبان روستای زادگاهش رفت. در بهار سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) تصمیم به ترک ایران گرفت، و به خاطر فضای باز سیاسی و لیبرالی که رژیم شاه در پیش گرفته بود، موفق بدین کار شد. اما، مقامات در آخرین دقائق بایوستن همسرش به اومخالقت کردند و هنگامی که او برای استقبال به فرودگاه لندن آمد، تنها دودخترش را در آنجا پیدا کرد. اندکی پس از آن نیز در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۷ (۲۹ خرداد ۱۳۵۶) درگذشت.

هنوز لیست کاملی از کتابهای اوتیه نشده و آنجا که بسیاری از آثارش را سخنرانی‌های تکثیر شده تشکیل می‌دهد، و یادداشت‌نوشته‌هایی است که از نوآوری‌ها جدا شده و علاوه بر این بسیاری از کتابهایش با اسم مستعار چاپ گردیده، مشکل می‌نواند کتابشناسی واحدی از او ارائه داد.

از ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) این متن‌های کوتاه دوباره چاپ شده و گاهی نیز یکجا گردآوری شده و عموماً به فروش رسیده است. شریعتی اغلب در متن این سخنرانی‌ها، در هنگام چاپ دست می‌برد، اما باین وجود سبک شفاهی این متن بجز در مورد چند اثر اواز جمله گویند، بلکه به زبان شاعرانه نگاشته شده، همچنان محفوظ مانده است. عناوین سخنرانی‌های او بی‌انگیز موضوعات مورد علاقه‌اش می‌باشد. در این رابطه می‌توان به آثاری چون علی ابومرد تاریخ، انسان اسلام و مسکن‌های مغرب زمین، اقبال معمار تجدید حیثیات فکری اسلام، امت و امامت، سوره روم؛ پیام به روشنفکر مسئول، شیعه حزب تمام وغیره اشاره کرد. آثار او در حال حاضر توسط حسینیه ارشاد تصحیح و موضوع‌بندی می‌شود.

شریعتی قبل از هر چیز سخنران بزرگی بود که از وقت کوتاهی که داشت برای جا دادن اندیشه‌های اساسی در افکار و وجدان مخاطبانش استفاده می‌کرد. مسئله مهم برای او این بود که تا جایی که می‌تواند برای مستمعین خود، بدون آنکه توجه آنها را از دست بدهد، سخن بگوید، و مسئله تنظیم سخنرانی‌ها و اندیشه‌ها برایش اهمیت کمتری داشت.

شریعتی می‌خواست یک متفکر سیاسی- مذهبی مبارزات آزادی‌بخش جهان سوم باشد، او در واقع مشکلات استعمار و استعمار جدید را احساس می‌کرد و بویژه به استعمار فرهنگی، که انسانها را از خوبیشان و ریشه‌هایشان بیگانه می‌کرد حمله می‌نمود. ایران، بویژه همیشه در معرض این خطر قرار دارد. جلال آل احمد ۱۵ سال قبل این بیخبرانی را در کتاب غروب زدگی‌اش که مدت‌ها زیر سانسور بود، مورد تفتیح قرار داده است. شریعتی معتقد بود که نابودی فرهنگ ملی نتایج سیاسی- اقتصادی دارد. نیدولوژی‌های غربی عکس‌العملی‌های بومی مردم مسلمان را برانگیخت. نه اندیشه‌های لیبرالیسم سرمایه‌داری، که علت این بیماری است و آن سود می‌برد، و نه عقاید مارکسیستی یا سوسیالیستی، که بویابی خود را از دست داده و خصلت ضد انسانی و ضد مذهبی دارد، هیچ کدام راه نجات نیستند. شریعتی اسلام را تنها آیدولوژی نجات بخش ایران و تمام خلقهای تحت ستم- مستعمرانه می‌داند. باید از اسلام بیروی کرد اما نه اسلام منحط گنونی جوامع مسلمان معاصر، بلکه اسلام جامعه ایده‌آل محمد- که توسط امسویان به فساد و استبداد کشیده شد.

ایمان، به فرد اراده مبارزه، و به گروه تحرک و انجام می‌دهد. از نظر شریعتی جوامع غیر خداپرست،

جاذبیت ندارند، و به همین ترتیب رفاهیات مادی نیز فریب‌آمیز هستند. شریعتی با برخورداری از یک روحیه مذهبی و تا اندازه‌ای عارفانه دائماً به قهرمانان اولیه شیعه همچون علی، حسین، ابودر غفاری، حر و دیگران اشاره کرده و در مورد آنان سخنان بسیاری ایراد می‌کند. او اصول رهایی‌بخش شیعه را دو چیز می‌داند:

۱: امامت - یعنی سیستمی کردن رهبری، و طلیفه معنوی و سیاسی یک رهبر مردمی که او را داوطلبانه پذیرفته‌اند. امت همانند مسیحیت با حضور عسرافانه مسیح متحد نمی‌شود، بلکه با تحرک خود در پیرامون رهبرش وحدت به دست می‌آورد.

۲: عدالت - که تشیع آنرا بالا برده و یک اصل الهی می‌داند. خداوند باید عادل باشد و جامعه انسانی نیز نمی‌تواند حکومت ستمگر و مستبدی را بپذیرد که امامان را کشته و اسلام را به فساد و تبااهی کشیده است.

شریعتی در چند سلسله سخنرانی، که در یک کتاب جمع‌آوری شده، بین تشیع علوی - منسوب به علی اولین امام شیعه - و تشیع صفوی تفاوت عمده‌ای قائل می‌شود. تشیع علوی نماینده اسلام اصیل و یک جنبش مرفی و انقلابی است، در اینجا میان روشنفکران و مردم تقسیم‌بندی دیده نمی‌شود، و اسلام در مرحله مرفی و بویابی خود قرار گرفته است. تشیع صفوی، با تبدیل مذهب شیعه به یک مذهب دولتی آنرا تبدیل به نهاد و وسیله بردگی سیاسی کرده و از هدف اولیه‌اش، که جنبجوی عدالت و انجام وظایف مقدس می‌باشد، دور نموده است. تشیع صفوی ایران را به ضدیت و مخالفت با عثمانی‌ها برانگیخت و مسئله لزادپرستی و ناسیونالیسم را با شیعه درهم آمیخت. شریعتی می‌گوید انواع مختلف شمار انحرافی، نظیر نمایشهای تاتری به مناسبت شهادت حسین-تسویه-

که به «مرزوموزات» مسیحیت شبیه است در زمان صنویان از مسیحیت اقتباس شد.

تشیع صفوی از نظر شریعتی تشیع پهلوی نیز هست و علمای صفوی همانهایی هستند که در بازیهای قدرت درگیر می‌باشند. آنها نقش خسود را بعنوان بیدارگران رویه فراموشی گذاشته و خود را به بحث‌های بی‌نتیجه گرفتار کرده‌اند. تشیع را به یک مذهب عزنا و تسلیم تبدیل نموده و مؤمنان را به جانب مسائل ظاهری و فرعی - و نه به جانب جنبش و حرکت - سوق می‌دهند. آنها ادعا می‌کنند که در غیاب امام دوازدهم هر دولتی قابل قبول است، و بدین ترتیب در تضعیف اسلام دست داشته و از جدایی دین و سیاست - قدرت - طرف‌داری می‌کنند.

شریعتی در پایان این کتاب تفاوت میان دو تشیع را، بر اساس مفاهیم اصلی آنها جدول‌بندی کرده است. شریعتی بایستی کردن مفهوم تشیع علوی، دو نتیجه به دست آورد: یکی اینکه خسود را از اسلام رسمی متحجر مورد اعتراض جوانان ایده‌آلیست دور کرد، و دیگر اینکه به مفاهیم تشیع یک معنی مبارزاتی نوین داد. حتی نماز و دعا در این اسلام نوین معنی سیاسی پیدا نموده و باعمل همراه شد. این معنی انقلابی نماز و دعا بویژه در طی انقلاب ۲۹-۱۹۷۸ رواج پیدا کرد. شریعتی باز در فاناتیسم تشیع صفوی، بین تشیع و تسنن، همانند قبل از خلافت شیعی می‌باشد سازگاری ایجاد کرد.

شریعتی هم چنین چندین سخنرانی پیرامون نقش زن ایراد کرد، کسسه در مسجوعه‌ای به نام فسطحه، فسطحه است، مستشرق

شد، و الگوی زن غربی را رد می‌نمود. زیرا زن را به شیئی تبدیل می‌کرد، و از او بعنوان یک عامل جنسی، بدون هیچگونه رابطه ازدواج، استفاده می‌نمود. از دیدگاه شریعتی غرب، با ادعای «آزادی» زن در مستعمرات خود، در واقع سعی می‌کند با شکستن و از هم پاشیدن وحدت خانواده مسلمانان، قدرت و ساطه

خود را مستحکم نماید. شریعتی خواهان شرکت زن در زندگی عمومی و اجتماعی بود و شدیداً به اصول سنتی در رابطه با انزوای زنان حمله می‌کرد. اما، می‌گوید که آزادی و برابری کلماتی خلاف ماهیت خود هستند. غرب، که این کلمات را شمار خود ساخته، تنها یک نوع اصالت فرد را ارائه می‌دهد که زنان در آن باید دست به دو انتخاب بزنند. یا زن بودن خود را قربانی یک مبارزه سخت حرفه‌ای کنند و یا آنرا در نقش‌های بی‌فایده به کار اندازند. انحطاط جامعه مسلمان، و تسخیری که نسبت به زنان در آن روا شده، اقتضا می‌کند که نقش زنان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و الگوی جدیدی از زن ارائه گردد.

او در این رابطه، قاطعه ۳ دختر پیامبر و هدر علی، را الگو می‌گیرد، زیرا که هم خصایص پدرش محمد، پیامبر اسلام را داشت و هم خصلت همسرش عسلی، و فرزندان حسن و حسین را. او مرکز نقل یک خانواده مجاهد بود. او مسئولیت‌ها را به دوش می‌گرفت و همانند مردان، اما به شیوه‌ای متفاوت، در مسائل اجتماعی درگیر می‌شد. دکتربین جدا اما برابری شریعتی درباره زنان، دلتخواه بسیاری از مسلمانان می‌باشد.

اندیشه سیاسی واقعی شریعتی در آثار مستشرق شده‌اش چندان مطرح نگردیده است، هرچند که همه چیز در نهایت به همین طرز تفکر مربوط می‌شود. تأکید بر پیروی امت از امامت چنین می‌نمایند که شریعتی، هرچند بسته به مسوالت‌هایم انتقادات شدیدی وارد می‌آورد، خود در پی یک اقتدار اسلامی بود که کاملاً به فرد احترام می‌گذارد و او را جز خدایند هیچکس نمی‌داند، و استقلال و خودمختاری او را تا حد یک تولیدکننده اقتصادی پایین نمی‌آورد. به علاوه او می‌گوید که پایه خلق یک آیدولوژی مبتنی بر پیشرفت و انقلاب دائمی تنها در اسلام نهفته است، تنها اسلام است که جلوی هرگونه تلاش به منظور بازگشت به سوی قدرتهای مستبد و انحطاط و ذلت روابط سیاسی را می‌گیرد.

شریعتی دمکراسی غرب را یک دمکراسی فاسد می‌داند، زیرا قدرت پول و نه انتخاب‌کنندگان، بر سیاست مسلط می‌باشد. دمکراسی غربی که بر اساس حق شرکت فرد در انتخابات آزاد استوار است، از ریشه و اصل فاسد است، زیرا در حالی که مدعی برابری است، در حقیقت زمینه نابودی اقلیت مشرقی توسط اکثریت محافظه‌کار را فراهم می‌آورد. او دمکراسی زهدایت‌شده مورد نظرش را در کتاب اصمت و اصامت چنین تعریف می‌کند:

دمکراسی متعهد حکومت گروهی است که بر اساس یک برنامه انقلابی مشرقی که افراد را، بینش افراد را زمان و فرهنگ مردم را روابط اجتماعی و سطح زندگی مردم و شکل جامعه را، می‌خواهد دگرگون کند و به بهترین شکلش براند. برای این کار یک آیدولوژی سوسیالیستی دارد. یک مکتب فکری مشخص دارد. یک برنامه ریزی دقیق دارد، و هدفش این نیست که بکایک این سرده را بشناسد و سلیقه‌شان متوجه او شود. هدفش این است که جامعه را به مقام و درجه‌ای برساند که بر اساس این مکتب، به طرف این مقصد متفالی حرکت بکنند و هدفهای انقلابی‌اش را تحقق دهد. اگر مردم می‌دانند که به این راه معتقد نیستند و رفتارشان و راییشان موجب رکود و فساد جامعه است، و اگر کسانی هستند که از قدرت خودشان و از پول خودشان و از این آزادی سوءاستفاده می‌کنند و اگر شکل‌های اجتماعی وجود دارد و سنت‌هایی هست که انسان را از آنکه می‌فرد، باید آن سنت‌ها را از بین ببرد، باید آن طرز فکر را معکوم کرد و باید این جامعه، بهر شکل که شده، از قابلهای متعبر خودش رها بشود.

استقبال عظیمی که از شریعتی در میان دانشجویان و مسلمانان جوان به عمل آمده، تا اندازه‌ای از اصالت مفادش ریشه می‌گرفت. او که از یک پیشینه خوب مذهبی برخوردار بود، در فرانسه به مسالطه آیدولوژی‌های مدرن، از جمله لیبرالیسم، کاپیتالیسم، مارکسیسم و آگزیستانسیالیسم پرداخت و درین حال

همچنان بتوانیم یک مؤمن باقی ماندن زبان قابل فهم شریعتی برای ایرانیانی که تازه به تحصیلات جدید پرداخته بودند و میخواستند ایدئولوژیهای مساجم غربی را به منظور رد علمی آنها، درک کنند، باعث شد تا از او استقبال گسترده‌ای به عمل آید، زیرا او بسود گه مسی-توانست نیازهای آنانرا برآورده نماید، او زمانی شهرت به دست آورد که آموزش عالی در ایران سریعاً توسعه می یافت، و گروهی اجتماعی جدید، بدون آمادگی ایدئولوژیک، با مسائل فشرده‌ای جدیدی از قبیل گسترش شهرنشینی، غربیزدگی، صنعتی شدن، کماغذایی و فساد گسترده، و بسیاری پدیده‌های دیگر که ایران را به غرب وابسته می کرد، روبرو بودند. رشد جمعیت، بیشتر بر طبقات فقیرتر، و غیر غربزده شدیداً مذهبی، تأثیر گذاشت. وابستگی‌ها و علائق شریعتی به اسلام و توانایی وسیع او در پاسخگویی به دیگر ایدئولوژی‌ها، او را به مدافع محکمی در مقابل نابودی ارزشهای سنتی تبدیل کرد. اسلام، این دین جبهه آزادپخش صلی الجزایر و جنبش مقاومت فلسطین یک دین مبارز ضد امپریالیستی شده بود. ایران‌ها که در برابر غرب خود را شکست خورده احساس می کردند با کشف مجدد اسلام هویت جدیدی کسب کردند.

روشنفکران جدید ایران فیلسل اسلام را بعنوان پدیده‌ای که از جهان مدرن بدور است، نگاه می کردند. اسلام از نظر آنان حتی یک نقش منفی به عهده داشت، زیرا توجه خود را به آخرت معطوف می کرد، و با سکوت خود، و نیز ارائه حثیه شکست خورده مبارزه مذهبی، به تقویت پایه‌های رژیم کمک می نمود، روشنفکران جوان مسلمانان ایران در شریعتی یک پاسخ انقلابی شیعی ایرانی برای همه این مشکلات پیدا کردند. حسین شریعتی حسین تمزیه نبود، بلکه حسینی بود که جنگید و به خاطر یک مسئله عدالت خواهانه جان باخت

گرچه کتابهای شریعتی را ممنوع‌الانتشار کردند، اما آثار او بطور مخفیانه و بوزنه در میان دانشجویان ایرانی خارج از کشور پخش شد. سنت گرایان مذهبی با شریعتی و حسینیه ارشاد بدت از در مخالفت درآمدند. اعتبار روحانیون الهیات دان بوسیله شخصی مخدوش می گردید که خود درس خدانشناسی و الهیات نخوانده بود و آنها را ستم می کرد که مذهب را بعنوان وسیله در خدمت منافع شخصی خود خدشه دار کرده اند و با مقامات مذهبی مقاوم در برابر سلطنت سربیه مخالفت می دارند. انتقادات علما به شریعتی تا آنجا که مسا می دانیم چیزی جز اتهامات بی پایه و اساس نبود. مثلاً او را بعنوان عامل سنی‌ها، وهابیت و کمونیسم معرفی می کردند. و به هیچ وجه سازنده به حساب نمی آمد.

به مرحلای، از تابستان ۱۹۷۷ به بعد، کتابهای شریعتی در سراسر ایران در صدها هزار نسخه به فروش رفت. کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران معلول کتابهای شریعتی است، بعضی فروشندگان کنار خیابان در پیسیادرو هفت، بعضی در سرفا از طریق فروش کتابهای او به دست می آورند. در مناطق اطراف بازار تهران، شهرهای استانها و شهرهای مذهبی قم و مشهد نیز همین وضع مشاهده می شود. شریعتی اندکی پس از مرگش به چهره افسانه‌ای اسلام مبارز تبدیل شد. در جلد سوم یادنامه‌ای که به افتخار شریعتی پس از مرگ او در ۱۹۷۸ منتشر شد، نام بسیاری از روشنفکران معروف مخالف رژیم به چشم می خورد.

هنوز زود است پیش‌بینی کنیم که تأثیر شریعتی در دراز مدت چه خواهد بود، در اینجا ما بر آن نیستیم که در مورد آثار و کتابهایی او که هنوز کاملاً منتشر نشده، قضاوت کنیم، هم‌چنین در صدد این نیستیم شخص را مورد ارزیابی قرار دهیم که شهادت و توانایی و کیفیت معنوی و روحی او قابل احترام است، تنها چند نکته را

خاطر نشان می سازیم: علی رغم اهمیت که شریعتی در سخنرانی‌های خود به انتقاد از جامعه غربی و اصرار بر نجات انسانیت از تهدید مسیحیت و ماتریالیسم هم کاپیتالیسم هم کمونیسم می داد، آگاهی او از غرب یک آگاهی و شناخت کلی بود. شریعتی هم چنین تاریخ ایران را نادیده می گرفت، او خود می گویید کسب از تفسار تاریخ نفیست دارد، و ایمن البته شایسته بسه خاطر استفاده‌ای بود که از تاریخ به عمل می آمد، او به تاریخ کمتر اشاره می کند، آنچه مورد علاقه اوست یک اسلام اصیل آرمانی است، و نه سیر تاریخی آن. بدین خاطر در تحلیل‌های او از روابط میان شیعه و حکومت از زمان صفوی به بعد به متون و اسناد قابل دسترسی اشاره چندانی نمی رود. نقش بزرگ علما در انقلاب ۱۳۰۵-۱۹۰۵ مشروطه مورد بحث قرار نمی گیرد مگر در آنجا که استفاده از اصطلاح مشروطیت برای قانون



اساسی مورد انتقاد (علما) واقع می شود. ما تنها یک صفحه در مورد نقش علما در سیاست (در آثار او) پیدا کرده‌ایم، او در این باره چنین می گوید:

اما در دوره فحبت چون هم به‌عمر نیست، هم امام حضور ندارند، رسالت پیامبران و امامان بر عهده خود مردم می افتد و مسردمانند که سپاهید حسود، اسلام را بیاموزند، حق را تشخیص دهند، حدود اسلامی را اجرا کنند، جامعه اسلامی را تشکیل دهند، مردم را رهبری کنند، از اسلام، مسلمین، قدرت و وحدت اسلامی در برابر یهود و نصاری و دیگر دشمنان دفاع کنند، جهاد کنند، اجتهاد کنند و از میان خود گروهی را برای تعیین در شناخت صلی اسلام و استنباط اصولین اسلامی و حل مسائل جامعه و رویدادهای زمان و ادار نمایند و رهبری اجتماعی و فکری و مسئولیت سرانجام مردم را به دست آنان بسپارند و عسود بهترین و لایقترین و آگاهترین، دانشمندترین و پساکترین شخصیت موجود را برای رهبری تعیین دهند و از میان خود کسی را به نجات امام- که جای پیغمبر اسلام است- بسز گزینند و بسپارند، و در الجسام مسئولیت‌های سنگین او- که مسئولیت‌های امامت است خود عردم احساس مسئولیت مداوم و مستقیم

کنند و حکومت علم را، مسلم مستهد راه، آنتجان گه افلاطون آرزو می‌گره- مستقر سازند... یعنی کسی را که در دوره پیش از فحبت (سبوت و امامت)، خدا مبین می‌گره، در دوره فحبت، مردم باید تعیین کنند. ۱۱

بدین ترتیب شریعتی، تئوری سنتی اجتهاد را گرفته و با اصول دمکراتیک در هم می آمیزد، اما از آنجا که تحلیل تاریخی با الهی از آن نمی کند، مشکل می توان به موضع قاطع او پی برد. این فقدان قاطعیت در موضوعگیری باعث عدم اعتماد روشنفکران جوان ایران و دیگران به شریعتی نمی شود، همگی آنها در فکر پر تحرک و بسویای شریعتی، بسیاری مشکلات خود بعنوان روشنفکران ایرانی، بسایخ مناسب راهپدای می کنند. شریعتی به آنها کمک می کند تا بدون از دست دادن هویت اسلامی خود، فتح جهان جدید را آغاز نمایند.

xalvat.com

- ۱- ترجمه دوزخیان روی زمین اثر فرانتس لانون. در واقع توسط معلم شهید دکتر علی شریعتی به عمل نباده است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: بارگشت، مجموعه آثار شماره ۴ (تبریز، زمستان ۱۳۹۱) ص ۴۲۰-۴۲۰ م
- ۲- بیوگرافی‌های کوتاه موجود در آموون زندگی شریعتی در بارز این تاریخها اختلافا نظر دارند. نگاه کنید به: وزبشنامه دکتر شریعتی، در کتاب: یادنامه دکتر علی شریعتی به مناسبت چهلم اوآشهران، ۱۳۳۶. و نیز سالنامه زندگی و آثار دکتر علی شریعتی، یادنامه سالگرد هجرت ابودر زمان استاد دکتر علی شریعتی (تبریز، ۱۹۵۷) نیز شریعتی برای دوره دکتری دانشگاه سوربن، که مؤلف- پان ریشار- خود اثر دیده و مطالعه کرده یک اثر زبان شناسی تطبیقی درباره متن فارسی کتاب لغات بلخ می باشد. و بزفوسورج. لا زلا استاد راهنمای او بوده است.
- ۳- در واقع برخلاف نظر لوپسند، خروج دکتر شریعتی از ایران در سال ۱۳۵۶ در اثر وقضای بیاز سیاسی و لبرالی رژیم شاه صورت نگرفت، بلکه شهید شریعتی با ارائه گذرنامه خود که نام علی مزینانی- بجای علی شریعتی- بر آن نوشته شده بود توانست دور از چشم مأموران ساواک ایران را ترک نماید- م
- ۴- در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۸) تاریخ تحریر این مقاله، آثار و نوشته‌های شریعتی به صورت تدوین شده منتشر نشده بود، اما در حال حاضر مجموعه آثار شریعتی به صورت طبقه بندی شده در ۲۳ شماره منظم در ایران به چاپ رسیده است- م

- ۵- رجوع کنید به کتاب شناسی مقدساتی از آثار شریعتی توسط ویسنتیان ریشاره (Yan Richard) در Abstracts Iranica, 1 and 2, Tahrir- Leiden, 1978, 1979.
- حامد گلگار نیز بعضی از آثار او را در مجموعه‌ای تحت این عنوان به انگلیسی ترجمه کرده است
- Alli Shah ali « On The Sociology of Islam » (Berkeley and Los Angeles, 1979)
- اینجا از جمله بهترین متون اندیشه‌های شریعتی در مورد شیعه است (ترجمه‌های دیگری نیز از آثار او از جمله کتاب [Haj] توسط اندکوا بهزاد بلوایان- ذی در ۱۹۷۸ صورت گرفته است.
- سپسین کتابچه تیزاز آثار او در تهران توسط حسینیه ارشاد، بنیاد شریعتی و بنیاد همدی به انگلیسی ترجمه شده است. معمولاً شیوه شفاهی آثار شریعتی و تحلیل‌های سریع او از مسائل برای مستمعین مشتاقان، امر ترجمه آنها را مشکل کرده است.
- ۶- علی شریعتی تشیع علوی و تشیع صفوی، مجموعه آثار شماره ۹- انتشارات تسبیح، تهران
- ۷- علی شریعتی عقایمه قاطعه است، سخنرانی در حسینیه ارشاد.
- ۸- علی شریعتی، امت و امامت (انتشارات قزو، تبریز، ۱۳۵۸)
- ۹- یادنامه سالگرد هجرت
- ۱۰- در موارد بسیار دیگری هم، دکتر به این مهم اشاره و تصریح دارد که برخوانندگان ایرانی بوشیده نیست و خود بحث مسبوطی را می طلب.
- ۱۱- علی شریعتی تشیع علوی و تشیع صفوی ص ۲۷۳-۲۷۴
- ازین بخش از کتاب او ترجمه مستقل دیگری نیز توسط شاهرخ اعوی دراز زیر صورت گرفته است.
- Shahrough Akhavi, « Religion and Politics in Contemporary Iran » (Albany, 1980), pp. 231- 233
- کتاب اخوی بعد از تکمیل این نوشتار منتشر شد، این کتاب دارای اطلاعات اضافی سودمندی در مورد افراد و تفکرات می باشد، (کماش) این بخش از نوشته دکتر در پایان مجموعه آثار جلد ۹ آمده است و خوانندگان را بسسه اصل ارجحستایح مسیسی دهیم- م